

مجله‌ی علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز  
سال سوم، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ (پیاپی ۶)

## بررسی محتوایی اشعار کودکانه‌ی پروین دولت‌آبادی بر قایق ابرها و گل بادم

زهرا استادزاده\*

دبیرخانه‌ی ستاد گسترش زبان فارسی و ایران‌شناسی  
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تقدیم به دکتر غلامعلی ناصح  
استاد و پزشک فوق تخصص روماتولوژی کودکان

### چکیده

در این مقاله مجموعه‌ی اشعار کودکانه‌ی پروین دولت‌آبادی از کتاب *بر قایق ابرها و گل بادم* (مجموعه ۲۸۴ شعر برای کودکان) بررسی و تحلیل محتوایی شده و مفاهیم گوناگون در آن مشخص گردیده است. مجموعه‌ی مضامین موجود در شش محور اصلی خلاصه شده است: مضامین طبیعت‌گرایانه، مضامین سرگرم‌کننده و لذت‌بخش، مضامین سیاسی-اجتماعی، مضامین دینی، مضامین آموزشی-علمی و مضامین تربیتی-اخلاقی. فراوانی هر مضمون در اشعار این کتاب مشخص شده و سپس هر مضمون تحلیل و بر اساس معیارهای علمی به نقاط ضعف و قوت اشعار پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که اشعار کودکانه‌ی پروین دولت‌آبادی از جهت محتوایی چه وضعیتی دارد. با بررسی مفاهیم گوناگون روشن شد مهم‌ترین مضمون اشعار کودکانه‌ی دولت‌آبادی «امید» است که این مضمون با ترکیب عنصر «خیال» برجسته‌ترین مشخصه‌ی شعر او به شمار می‌رود. توانمندی دولت‌آبادی در درآمیختن زبان کودکانه با مفهوم دنیای کودک‌کی است. واژه‌های کلیدی: امید، پروین دولت‌آبادی، خیال، شعر کودک، محتوا و مضمون شعری.

---

\* مربی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان Zahra.ostadzadeh@gmail.com

## ۱. مقدمه

موضوع اصلی مقاله، بررسی محتوایی اشعار کودکانه‌ی زنده‌یاد پروین دولت‌آبادی است. مجموعه‌ی مضامین موجود در شعر دولت‌آبادی، در شش محور اصلی خلاصه شد: «مضامین طبیعت‌گرایانه، مضامین سرگرم‌کننده و لذت‌بخش، مضامین سیاسی - اجتماعی، مضامین دینی، مضامین آموزشی - علمی و مضامین تربیتی - اخلاقی» تقسیم‌بندی آثار بر اساس محتوا و مضمون یکی از روش‌های رایج در تقسیم‌بندی ادبیات کودکان و نوجوانان است؛ اما برخی از آن‌ها به اندازه‌ی کافی دقیق نیستند و مثلاً شرط لازم تقسیم‌بندی علمی - مانع و جامع بودن - در آن‌ها رعایت نشده است؛ برای مثال تقسیم این اشعار به پنج نوع «لالایی، اشعار بی‌معنی،<sup>۱</sup> اشعار مربوط به زندگی کودکان، قصه‌ها و حکایات منظوم، اشعار طبیعت» (مرتضوی کرمانی، ۱۳۶۴: ۲۱۲-۲۱۴) از این حیث کاستی‌هایی دارد، کیانوش نیز مضامین را به «مضمون وصفی، مضمون تمثیلی، مضمون رفتاری، مضمون آموزشی و مضامین چندجنبه‌ای» تقسیم‌بندی کرده است. (کیانوش، ۱۳۵۲: ۹۶-۱۱۹)<sup>۲</sup> در این تحقیق فراوانی مفاهیم گوناگون اشعار در شش گروه دسته‌بندی و درصدهای آن‌ها طبق جدول زیر مشخص شد. نکته‌ی مهم این است که یک عنوان شعر گاه چند مفهوم را در برمی‌گیرد که هریک محاسبه شده است. بنابراین تعداد مفاهیم الزاماً بیانگر تعداد اشعار نیست.

جدول شماره‌ی ۱: مفاهیم شعری در اشعار کودکانه دولت‌آبادی

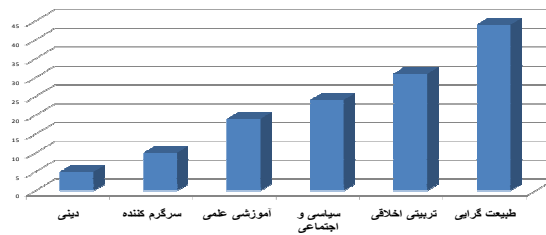
مفاهیم شعری	درصد
اشعار طبیعت‌گرا	۳۳٪
اشعار تربیتی - اخلاقی	۲۳٪
اشعار آموزشی - علمی	۱۹٪
اشعار سیاسی - اجتماعی	۱۸٪
اشعار سرگرم‌کننده	۸٪
اشعار دینی	۵٪

بدین ترتیب دورنمایی از شعر کودک دولت‌آبادی در برابرمان پدیدار می‌شود. اما پرسش مهم دیگر این است که بسامد این مضامین چگونه بوده و شاعر به کدام مضمون

<sup>۱</sup> Nonsense poetry

یا مضامین بیش‌تر و به کدام کم‌تر توجه کرده است. نمودار زیر به این پرسش پاسخ می‌دهد:<sup>۳</sup>

نمودار ۱: فراوانی مضامین شعر کودک دولت‌آبادی



چنانکه ملاحظه می‌شود محتوای طبیعت‌گرایی بیش‌ترین و مضامین دینی کم‌ترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. در یک کلام می‌توان اشعار کودکان پروین دولت‌آبادی را شعر «امید» نامید. مهر و عاطفه عنصر دوم شعر او محسوب می‌شود، که این مفاهیم با بهره‌گیری از عنصر «خیال» - که برجسته‌ترین ویژگی شعر کودک - محسوب می‌شود ادغام شده‌اند. دولت‌آبادی اشعاری دلنشین در قالب‌های مثنوی، غزل و نو نیز دارد که بررسی آن‌ها بحثی جداگانه را می‌طلبد. اشعاری که با توجه به تسلط او به ادبیات کلاسیک و معاصر ایران ضمن بهره‌گیری از نکات ادبی فراوان، مفاهیم عاطفی-اجتماعی را به همراه دارد.<sup>۴</sup> اما نکته‌ی جالب توجه مهارت عجیب و ذاتی دولت‌آبادی در شعر کودک است. شعر کودک مهارت و روحیه‌ی خاص می‌طلبد؛ باید روحی کودکانه و خالص داشت تا بتوان در این قشر نفوذ کرد و اثر گذاشت. در شعر کودک مخاطب کودک است، با سادگی و صفای ذاتی خود که دولت‌آبادی با شناخت علمی‌ای که از دنیای کودکان و خردسالان داشت، و نیز با بهره‌گیری از تجربه‌ی فعالیت و ارتباط نزدیک‌تر با این گروه سنی در شورای کتاب کودک و «سازمان تربیتی شیرخوارگاه تهران» نیازهای آنان را در شعر خود مورد توجه قرار داد. دولت‌آبادی، با بهره‌گیری از زبان رسمی و در عین حال ساده، به جنبه‌های غیرآموزشی ادبیات توجه ویژه داشت و به جای درس دادن مستقیم و نصیحت کردن کودکان، آن‌ها را به دنیای خیال و رویا می‌برد. استفاده از تصاویر شعری ساده و قابل فهم برای کودکان، از دیگر عناصر شعرهای او بود که کار او را از دیگران متمایز می‌کرد.

در واقع، در زمینه‌ی زبان، شعر دولت‌آبادی، سبک ویژه‌ی خود را داراست. زبانی که به دور از استعاره‌ها و ایهام‌ها، که در کمال سادگی، سعی دارد با مخاطب خود ارتباط برقرار کند، و در همین حال، به ورطه‌ی گویش روزمره و زبان غیررسمی هم نمی‌لغزد. اشعار پروین خیال‌انگیز است و از دریچه‌ی چشم کودکان به مسائل نگاه می‌کند و کودکان را هم‌نشین ابر و هم‌کلام باد می‌داند. پروین خودش را جای کودکان می‌گذارد و در اشعاری که می‌سراید آرزو می‌کند که آن آدم برفی که بچه در حیاط یا بیرون از خانه درست کرده است سرما نخورد، و در جایی دیگر حتی رقص پروانه را به بچه‌ها نشان می‌دهد:

شب برفی / شب یخبندان است / آدمک برفی در کوچه ما مهمان است / کاش سرما نخورد... (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷: ۲۲).

پروانه‌ام! پرواز کن! آن بال رنگین باز کن / با رقص شاد و ساده‌ات / فصل بهار آغاز کن (همان: ۱۱۳).

در عرصه شعر و نثر نویسندگان متفاوت و فراوانی دیده می‌شوند که هریک بنا به دلایلی مورد توجه قشرهای گوناگون قرار گرفته‌اند اما در زمینه شعر کودک با ویژگی‌هایی خاصی که باید دارا باشد شاعران محدودی را مشاهده می‌کنیم. در دهه‌ی چهل در کنار شاعران متعدد، تنها پروین دولت‌آبادی به همراه چند شاعر دیگر مانند محمود کیانوش و... در جایگاه شاعر مسلط کودکان در ایران که با تبحر خاص خود و رعایت معیارهای شعر و زبان کودک توانستند اشعار شایسته‌ای بسرایند. اشعار دولت‌آبادی بی‌تردید الگویی مناسب برای نسل جوان علاقه‌مند به شعر کودک به شمار می‌آید.

## ۲. روش تحقیق

جامعه‌ی آماری ما در این مقاله دو کتاب شعر از پروین دولت‌آبادی است که در برگیرنده‌ی همه‌ی اشعار کودکان و نوجوانان این شاعر است. نام یکی از این مجموعه‌های شعر، *بر قایتق/برها* است، این کتاب ۲۷۲ شعر کودکان و نوجوانان در خود دارد و تمام شعرهای کتاب بررسی شده‌ی دیگر، یعنی مجموعه‌ی *گل بادام* را نیز در برگرفته است که این کتاب دوم، دوازده شعر را شامل می‌شود. با توجه به تکرار شعرها

در دو کتاب، هر شعر فقط یک‌بار مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این تحقیق ۲۸۴ شعر بررسی شده است.<sup>۵</sup>

### ۳. مضامین طبیعت‌گرایانه

طبیعت از چند جهت می‌تواند مورد توجه شاعران ادبیات کودک و نوجوان قرار گیرد. گستردگی، تنوع موضوعات و پدیده‌های موجود در آن و زیبایی و دل‌انگیزی آن بخصوص برای کودک و تناسبی که میان تمایلات و ویژگی‌های روحی- روانی کودک با طبیعت وجود دارد. ژان پیاژه<sup>۱</sup> معتقد است که در نظر کودکان مرز میان جاندار و بی‌جان محو می‌شود. آن‌ها اصل را بر جاندار بودن همه‌چیز می‌گذارند و زندگی و عوارض آن را به کلیه اشیاء و پدیده‌های پیرامون خود نسبت می‌دهند (بلالی، ۱۳۷۹: ۱۲). دولت‌آبادی این نکته‌ها را دریافته است و به همین دلیل در سرودن اشعاری که بتواند با مخاطب ارتباط برقرار کند موفق بوده است؛ برای نمونه خواننده با اشعاری رو به رو می‌شود که در آن‌ها شاعر از زبان پدیده‌های طبیعی با کودکان سخن می‌گوید: قایقی است ابر / روی آسمان / می‌رود چه نرم / تابیکران / می‌برد مرا / می‌رساندم / تا به ابرها (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷: ۸۵).

در میان عناصر طبیعی بیش‌ترین توجه شاعر به گیاهان بوده و کم‌ترین میزان توجه به حیوانات اختصاص یافته است:

جدول شماره ۲: تنوع موضوعی طبیعت در اشعار کودکان دولت‌آبادی

درصد	مفاهیم طبیعت‌گرایانه
۳۲٪	گیاهان (گل‌ها، درختان، شکوفه، چمن و...)
۲۰٪	عناصر طبیعت (آسمان، خورشید و آفتاب، مهتاب و ماه، زمین و خاک)
۱۴٪	حوادث طبیعی (باد، باران، برف، رعد و برق، طوفان و...)
۱۰٪	آب (دریا، قطره، چشمه- رود، جوی و...)
۸٪	فصل‌ها (بهار، پاییز و خزان، زمستان، تابستان)
۷٪	رنگ‌ها
۵٪	شب و روز
۴٪	حیوانات (پرنده، حشره و...)

<sup>1</sup> Jean Piaget's

از میان گیاهان، درخت بیش‌ترین کاربرد را داشته است و سپس می‌توان به بخش‌های گوناگون گیاه چون: گل، برگ، شاخسار، شکوفه و... اشاره کرد. در این‌گونه از اشعار، توجه کودک به محیط پیرامون خود و حس کنجکاوی او برای کشف اطراف، به نوعی ابزاری برای بیان اهداف شاعر می‌شود و از آن‌جاکه شاعر بر مفاهیم مثبت تکیه دارد، گیاهان و زیبایی آن‌ها وسیله‌ی جلب توجه کودک به زندگی و زیبایی‌های آن و در نهایت «امید بخشی» به او می‌شود؛ روحیه‌ی امید نیز «شادی» را برای کودک به ارمغان می‌آورد. پس از گیاهان، عناصر موجود در طبیعت چون: خورشید، آسمان، زمین و ماه با ۲۰٪ در این بخش بیش‌ترین بسامد را داراست. که از آن میان خورشید و پس از آن آسمان بیش از همه به کار رفته و به نوعی بدنه‌ی اشعار به شمار می‌آید، به همین دلیل آوردن نمونه شعری علمی به نظر نمی‌رسد و دادن آمار خود برای بیان اهمیت مسئله کافی است. به جز دو عنوان شعری با عنوان «باران» که نمونه‌ای از آن آورده می‌شود برای «برف» نیز سه عنوان شعری و «باد» نیز چهار عنوان شعری در نظر گرفته شده است. دانه دانه ریخت باران / روی بام و روی ایوان / روی حوض خانه‌ی ما / ریخت باران شاد و خندان... (همان: ۳۴).

قطره قطره ریخت باران / پرده‌ای آویخت باران / پشت شیشه می‌نشینم / تا که باران را ببینم... / شعر باران شعر / فردا / شعر باغ و شعر گل‌ها... (همان: ۶۶).  
آتش گرم و روشن! / سرخی رویت از من / چراغ خانه از تو / نور شبانه از تو / گرمی و تابش از تو... (همان: ۲۰).

با بررسی اشعار روشن می‌شود که حیوانات اهلی و ریز نقش و حشرات بیش‌تر از دیگر حیوانات توجه شاعر را به خود جلب کرده‌اند. او بیش‌تر به زیبایی حیوان نظر داشته و آن را در شعر مطرح کرده است. شاید چون احساس می‌کرده کودک با این جنبه از وجود حیوان بیش‌تر ارتباط برقرار می‌کند با این‌حال در بهره‌گیری از عناصر طبیعی حیوانات با ۴٪ کم‌ترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند:  
موش‌ها بردند از انبار خانه ما / دانه‌های گندم زرین که بود / هر کجا پنهان نمودم عاقبت / موش شیطان دانه‌ها را می‌ربود... (همان: ۳۳۳).

پروانه‌ی رنگین منم / گل‌ها به گلبن دیده‌ام / پرپر زنان بر گرد گل / رقصیده‌ام / چرخیده‌ام / آن لادن خوشبوی را بوسیده‌ام بوسیده‌ام... (همان: ۸۰).

معمولاً هویت و شخصیتی که شاعران برای حیوانات در نظر می‌گیرند، تابع سنت‌های بومی ماست. مثلاً روباه پیوسته حيله گر، سگ با صفت نگهبان و کلاغ عمدتاً سیاه و شوم معرفی شده است. نکته‌ی جالب توجه در اشعار دولت‌آبادی داشتن نظر مثبت به حیوانات است که گاه وسیله‌ای برای بهره‌گیری از عنصر خیال می‌شود:

اسب چوبی / اسب چوبی / با تو من رفتم سفرها / با تو طی کردم همه کوه و کمرها  
(همان: ۲۶).

در جایی دیگر از زیبایی و خاصیت زنبور سخن می‌گوید:

برقی زد و رفت / بال طلایی / در روشنائی / حرف عسل بود / حرف گل و نور / آواز زنبور / آرد عسل را / شیرین و خوش بو / هر دم به کندو (همان: ۴۸).

چنان‌که انتظار می‌رود، در میان فصل‌ها، بهار بسیار مورد توجه شاعر قرار گرفته است. علت این امر تنوع رنگ‌ها، شادی و طراوت و زنده شدن مجدد طبیعت و بسیاری از قابلیت‌های دیگر این فصل است. در عین حال دولت‌آبادی از تکرار و کلیشه دوری کرده و از بهار برای مفاهیمی مانند امید، شادی و خنده بهره گرفته است:

غنچه، غنچه وا شود / گل به روی شاخه‌ها / غنچه‌های خنده‌ات / بشکفد به روی ماه  
(همان: ۹۲).

او در جایی دیگر تناسب وجود مادر و بهار را این‌گونه بیان می‌کند:

دست‌هایم پر از بهار و گل است / تا بریزم به پای مادر خود / تا ببیند بهار شادی را / مادر من به روی دختر خود... / مادرم، مادر! این بهار را از تو / سبز باد همیشه خانه تو / تو درخت گلی و دختر تو / در بهار تو شد جوانه‌ی تو (همان: ۹۱).

پاییز در اشعار شاعران دو چهره‌ی کاملاً متفاوت دارد؛ گاهی شاد و طربناک و گاه غم‌انگیز و دل‌گیر و البته زمینه غالب متعلق به تصویر دوم است. اما در اشعار دولت‌آبادی حتی وقتی بعد دوم فصل پاییز یعنی غم‌انگیز بودن آن بیان می‌شود بلافاصله امید را وعده داده و فصل پاییز را زمینه فصل بهار می‌داند (امید بخشی):

تا نباشد برگ‌ریزان / تا نریزد کهنه برگ خسته را / از پیکر باغ و درختان / کی تواند تازه گردد باغ و بستان / چشم بگشاید ز خواب آرام / برخیزد ز دامان زمستان / کی تواند تازه گردد تازه جان / از دم باد بهاران / باز روید بر تن خشک درختان / تازه تازه برگ‌های نوجوانه / زندگی یابد ز نوجویی نشانه (همان: ۸۸).

و در جایی دیگر پس از توصیف خزان این‌گونه می‌گوید:

دوباره می‌دمد دم بهار/ به جویبار و باغ و کشتزار/ دوباره جوی با ترانه‌ها/ ز سبزه آورد  
 نشانه‌ها/ دوباره کشتزارها/ لباس سبز پوشد از بهارها/ دوباره روز و روزگار نو/ پیام  
 شادی آورد برای تو (همان: ۹۹).

اشعاری که در آن‌ها پاییز نشان دهنده‌ی شادی است، بیش‌تر با مدرسه و شروع سال  
 تحصیلی پیوند خورده است:

می‌کشایند باز مدرسه را/ مهرماه است، ماه مهر و امید/ روز دیدار دوستان آید/ می‌توان  
 باز روی یاران دید (همان: ۳۷).

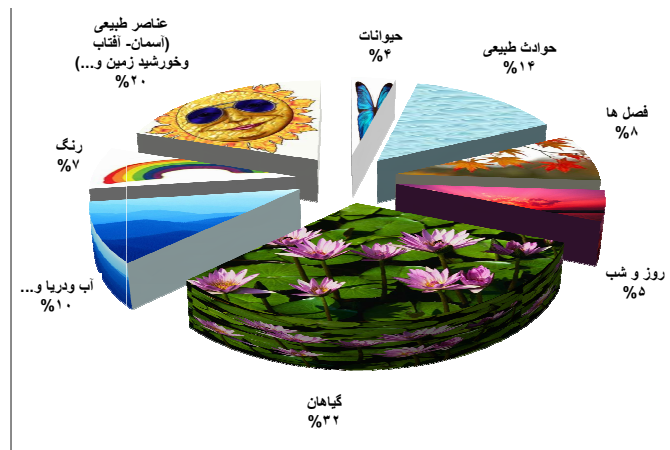
پس از بهار و پاییز بیش‌ترین توجه شاعر به فصل زمستان معطوف است. آن  
 دوگانگی چهره در مورد فصل زمستان نیز صادق است و در اشعار دولت‌آبادی بخش  
 شاد و طربناک چهره‌ی زمستان برجسته‌تر از نیمه اندوهگین آن است و بالاخره تابستان  
 بسیار کم در شعر او مطرح شده است.

برف قاصد بهاره/ زمستان‌ها می‌باره/ سلام، سلام، سپیدی/ دیشب ز راه رسیدی (همان: ۸۴)  
 در مجموع، اشعار طبیعت‌گرا گسترده‌ترین و موفق‌ترین بخش شعر دولت‌آبادی  
 است. دولت‌آبادی برای هر فصل صدایی در نظر می‌گیرد:

هر فصل را صدایی است/ آواز آشنایی است/ در فصل سبز، باران/ خواند به  
 کشتزاران... چون فصل گرم آید، خورشید می‌سراید: شعر طلای گندم/ قوت و غذای  
 مردم... خواند چو فصل پاییز، شعر خزان، غم‌انگیز... در فصل سرد سرما، آید صدا ز  
 هر جا... برف سفید آید بر ما نوید آید، آید بهار دیگر، تاج شکوفه بر سر (همان: ۳۶۰)



نمودار شماره‌ی ۲: فراوانی گروه‌های گوناگون مضامین طبیعت‌گرایی در اشعار کودکانه دولت‌آبادی



#### ۴. مفاهیم تربیتی - اخلاقی

همه‌ی آثار ادبیات کودک به یک معنی می‌تواند تربیتی - اخلاقی باشد اما مقصود از مفاهیم تربیتی - اخلاقی در این پژوهش، معنای خاص این ترکیب است. برخی از گزاره‌های اخلاقی مختص دین یا مذهب خاصی نیستند بلکه جزء اخلاقیات بشری به شمار می‌آیند. بنابراین، آنچه در این بخش با عنوان مضامین دینی مطرح خواهد شد، پند و اندرز - چه مستقیم و چه غیرمستقیم - پیام‌های اخلاقی، اشعاری خطاب به دوستان و کودکان دیگر با نتیجه‌گیری‌های مستقیم و غیرمستقیم اخلاقی است. در اشعار دولت‌آبادی پند و اندرز با زبان شیوای کودکانه و به گونه‌ای غیرمستقیم به کار رفته است. جدول‌های زیر نوع بیان و انواع گوناگون مفاهیم اخلاقی - تربیتی را در اشعار کودکانه‌ی دولت‌آبادی نشان می‌دهد.

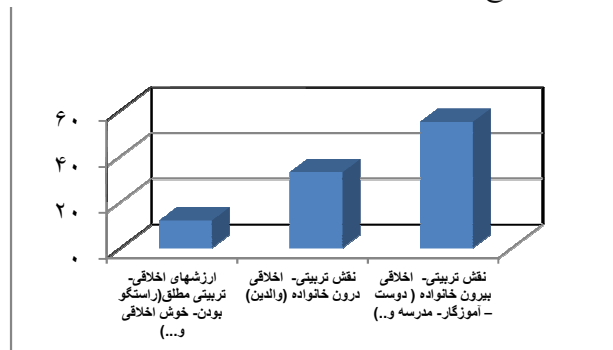
جدول شماره‌ی ۳: نوع بیان مفاهیم اخلاقی و تربیتی در اشعار کودکانه‌ی دولت‌آبادی

نوع بیان پیام اخلاقی - تربیتی	درصد
پند و اندرز مستقیم	۱۵٪
پند و اندرز غیر مستقیم	۸۵٪

جدول شماره‌ی ۴: مفاهیم گوناگون اخلاقی و تربیتی در اشعار کودکانی دولت‌آبادی

درصد	مفاهیم گوناگون اخلاقی و تربیتی
۱۲٪	ارزش‌های اخلاقی-تربیتی مطلق (راستگو بودن- خوش اخلاقی و...)
۳۳٪	ارزش‌های اخلاقی-تربیتی درون خانواده (والدین- خواهر و برادر)
۵۵٪	ارزش‌های اخلاقی-تربیتی بیرون خانواده (دوست- آموزگار- مدرسه و...)

نمودار شماره‌ی ۳: فراوانی انواع گوناگون ارزش‌های اخلاقی- تربیتی در اشعار کودکانی دولت‌آبادی



ژان پیاژه معتقد است رشد اخلاقی کودکان در دو مرحله صورت می‌گیرد: نخست از پنج سالگی که او آن را «واقع‌گرایی اخلاقی» می‌نامد. در این مرحله کودک معتقد است قواعد اخلاقی از سوی مراجع قدرت یا همان والدین صادر می‌شود، از این روی دولت‌آبادی اهمیت نقش والدین را این‌گونه بیان می‌کند:

با نام تو می‌خوانند/ هر جا که مرا نام است/ در امن وجود تو/ آسایش و آرام است/ در تار رگم خونت/ هر دم ز تو پیغام است/ با مهر توام روشن/ گر صبح و اگر شام است (همان: ۱۰۳).

در اشعار دولت‌آبادی مفاهیم اخلاقی مستقیم معمولاً با فعل امر باید و نباید و مفاهیم غیر مستقیم با وجه خبری بکار رفته است و بیان داستانی منظوم و برجسته کردن زیبایی‌ها به جلب توجه کودک می‌انجامد. گاه پیام‌های اخلاقی اشعار مستقیم است که در این صورت تأثیرشان کم‌تر از زمانی است که شاعر غیرمستقیم پیام می‌دهد: دو دست را ببین/ زیبایی پیوندها با آن/ لبانت را ببین/ دلجویی لبخندها با آن/ دو پایت را ببین/ پوینده فردا/ دو چشمت را ببین/ آینه دنیا/ سراپا هستی ات امید را ماند/ فروغ سینه خورشید را ماند (همان: ۱۲۵).

تعداد اشعاری که در بردارنده مضامین تربیتی - اخلاقی هستند در اشعار دولت‌آبادی بسیار فراوان است. از نظر روان‌شناختی شاعر به کار نبردن واژگان و عبارت‌های منفی را مدنظر داشته است تا ذهن بکر و زیبای کودک با این عبارات‌ها مواجه نشود؛ برای نمونه به جای دروغ نگفتن، راست‌گو بودن، به جای بی‌ادب بودن، با ادب بودن را بکار می‌برد:

راستگو باش و حرف زشت مگو / شادانی ز خوش‌زبانی جو / با همه مهربان و خوش‌خو باش / با ادب، خنده روی و نیکو باش... (همان: ۴۹).

در شعر «آشنای من» دولت‌آبادی به زیبایی آمیزه‌ای از نقش تربیتی پدر و مادر را نشان می‌دهد:

کودکی نو رسیده بوم من / تازه تازه گشوده لب به سخن / روز و شب چشم بر دهان پدر / روز و شب سر به دامن مادر / کودکی بود و رقص و آزادی / سرخوشی‌ها و بازی و شادی / آرزوهای گرم و دور و دراز / تا شود روزگار درس آغاز (همان: ۲۸).

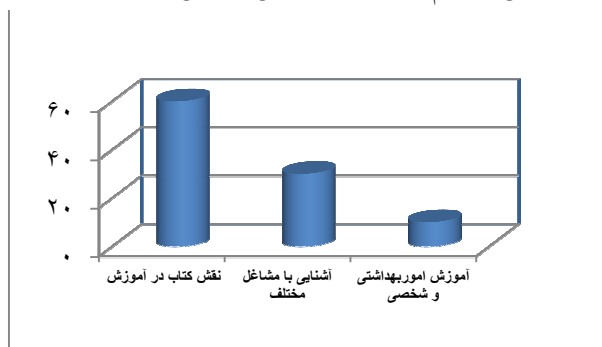
##### ۵. مضامین آموزشی - علمی

«ادبیات کودک در ماهیت خویش، آموزشی است، آن‌گاه که که فرد بزرگسال عاطفه و اندیشه خویش را به‌گونه‌ای طراحی شده و هدفمند بر کودک عرضه می‌دارد، فرایندی پدید می‌آید که به‌گونه‌ای گریزناپذیر ماهیتی آموزشی دارد» (خسرونژاد، ۱۳۸۲: ۳۲)، اما منظور از شعرهای آموزشی در این پژوهش، معنای خاص کلمه است؛ یعنی اشعاری که هدف اصلی آن‌ها آموزش یک موضوع خاص علمی و کاربردی است. جدول زیر نشان دهنده مفاهیم آموزشی - علمی در اشعار دولت‌آبادی است:

جدول شماره ۵: انواع مفاهیم آموزشی - علمی در اشعار کودکانه دولت‌آبادی

مفاهیم گوناگون آموزشی - علمی	درصد
نقش کتاب در آموزش	٪۶۰
آشنایی با مشاغل گوناگون	٪۳۰
آموزش امور بهداشتی و شخصی	٪۱۰

نمودار شماره‌ی ۴: فراوانی مفاهیم گوناگون آموزشی - علمی در اشعار کودکانی دولت‌آبادی



دولت‌آبادی با ۱۱ بار استفاده از کلمه‌ی «کتاب» در یازده شعر، نقش آموزشی آن را

برجسته کرده است:

«کتاب چیست؟ طلایی دری که بگشایی/ به روی خویش و ترا هر زمان برد جایی»  
(دولت‌آبادی، ۱۳۷۷: ۲۵۱).

خطاب به کتاب می‌گوید: «تو نور و روشنایی/ تو گلشنی و باغی/ در دست من کتابی/  
در پیش من چراغی» (همان: ۲۵۰).

در شعری دیگر به نقش آموزش علم از طریق کتاب آشکارا اشاره می‌کند:

چون که آموختم الفبا را/ قصه «نان» و «آب» و «بابا» را/ در کتاب این خطوط ناموزون/  
شکل‌ها، حرف‌های گوناگون/ با من آرام آشنا گشتند/ داستان‌های دلربا گشتند/ با کتاب  
آشنا شدم کم‌کم/ شد مرا یار و مهربان، همدم/ جمله‌ها حرف می‌زند با ما/ حرف  
خاموش می‌شود گویا/ برگ برگ کتاب گوید باز/ سرگذشت بشر تو را ز آغاز/ علم  
آموزد و حساب ترا/ روشنی می‌دهد کتاب تو را (همان: ۲۸).

استفاده از کلام منظوم برای آموزش در فرهنگ ما پیشینه‌ای کهن دارد و برخی از  
شاعران کودک در روزگار معاصر همان سنت را ادامه داده‌اند. دولت‌آبادی نیز از آن  
جمله است.

از جمله موضوعاتی که شاعران بدان پرداخته‌اند آشنا کردن کودکان با روند  
شکل‌گیری یا رشد پدیده‌های طبیعی است. مثلاً دولت‌آبادی درباره‌ی تولید عسل  
می‌گوید:

برقی زد و رفت/ بال طلایی/ در روشنایی/ حرف عسل بود/ حرف گل و نور/ آواز  
زنبور/ آرد عسل را/ شیرین و خوشبو/ هر دم به کندو... (همان: ۴۸).

آشنا کردن کودکان با مشاغل گوناگون نیز مورد توجه شاعران کودک قرار گرفته است: آموزگار من توای / ای مهربان مهربان... در راه عمر ای مهربان / هر جا که باشم، بامنی / یادت چراغ راه من / چون جان شیرین در تنی... (همان: ۳۶).

هم‌چنین در شعر سلامی برای دهقانان:

یاد دهقان که دانه می‌کارد / دست پرکار مهربان دارد / یاد او را عزیز می‌داریم / هر زمانش به یاد می‌داریم (همان: ۲۱۸).

شاعر در خصوص انجام امور شخصی در شعری خطاب به دختر خویش می‌گوید: دخترم گوشه اتاق نشست / داشت زیبا عروسکی در دست / گفت: فرزند من بشورویت / شانه زن صبحدم تو بر مویت... (همان: ۴۹).

#### ۶. مضامین سیاسی - اجتماعی

اشعار سیاسی - اجتماعی از لحاظ کمیت چهارمین رده را به خود اختصاص داده‌اند. منظور از اشعار سیاسی - اجتماعی در مقاله‌ی حاضر، سروده‌هایی است که به ارتباطات اجتماعی کودک در محیط خانواده و اجتماع بیرون خانواده و یا به یکی از طبقات اجتماعی خاص می‌پردازند و مسائل و موضوعات اجتماعی در مرکز آن‌ها قرار گرفته است. در این بخش نقش تعاملات اجتماعی مطرح است نه نقش تربیتی آن. هدف شاعر تأکید بر پیوندهای خانوادگی و نقش آن در شکل‌گیری شخصیت کودک است. بیان مشکلات اجتماعی (فقر - تفاوت‌های فردی و...) بخش دیگر این گروه مضامین است. دولت‌آبادی با بیان مشخصاتی که برای هر یک از گروه‌های اجتماعی در نظر می‌گیرد، تصویری خاص از آن‌ها را در ذهن کودک ایجاد می‌کند. برخی از این موضوعات و پدیده‌های اجتماعی ماهیت سیاسی دارند. به همین دلیل این دسته از اشعار سیاسی - اجتماعی نامیده شده‌اند. اما نکته‌ی مهم در اشعار دولت‌آبادی بسامد صفر گروه سیاسی در اشعار کودکانه می‌باشد. با این حال ذکر این عنوان برای بیان همین نکته اخیر لازم و ضروری به نظر می‌رسید. مفاهیم سیاسی - اجتماعی در اشعار دولت‌آبادی بر اساس جدول شماره‌ی شش به سه گروه کلی تقسیم می‌شود که به دلیل بسامد قابل توجه گروه‌های اجتماعی، این بخش به طور جداگانه در جدول شماره‌ی هفت بررسی و آورده شده و سپس اشعار تحلیل و بررسی شده‌اند:

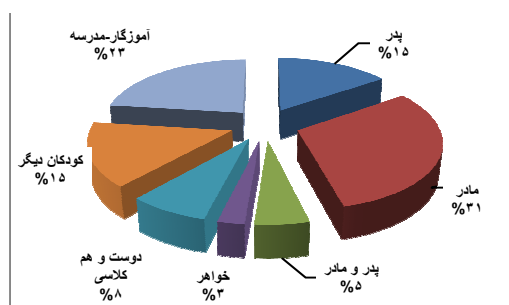
جدول شماره‌ی ۶: تنوع موضوعی اشعار سیاسی- اجتماعی در شعر کودکانی دولت‌آبادی

درصد	مفاهیم گوناگون سیاسی- اجتماعی
٪۰	پدیده‌های سیاسی- اجتماعی
٪۷۰	گروه‌های اجتماعی (خانواده، مدرسه و گروه همسالان)
٪۳۰	مشکلات جدول شماره ۷: انواع گروه‌های اجتماعی...

جدول شماره‌ی ۷: انواع گروه‌های اجتماعی در اشعار کودکانی دولت‌آبادی

درصد	گروه‌های اجتماعی
٪۳۱	مادر
٪۱۵	پدر
٪۵	مادر و پدر
٪۲۳	آموزگار و مدرسه
٪۸	هم کلاسی و دوستان
٪۱۵	کودکان دیگر
٪۳	خواهر و برادر

نمودار شماره‌ی ۵: فراوانی مفاهیم گوناگون گروه‌های اجتماعی در اشعار کودکانی دولت‌آبادی



در این دسته از مضامین، تعامل کودک با والدین مطرح است در حالی که مضامین تربیتی- اخلاقی نقش تربیتی والدین مدنظر می‌باشد. در بررسی مضامین اجتماعی

بحث‌های کلی‌تری مانند دید کودک به والدین مطرح می‌شود بنابراین اشعاری که نقش تربیتی و اخلاقی ندارند نیز زیر گروه آن قرار می‌گیرد و گروه‌های اجتماعی دیگر مانند مدرسه و گروه همسالان را شامل می‌شوند.

دولت‌آبادی در اشعار مربوط به خانواده، به تک تک اعضا توجه داشته و ۲۲ عنوان شعر برای پدر و مادر سروده است. در این اشعار پدر چهره‌ای مهربان، زحمت‌کش، مایه‌ی امنیت و آرامش دارد و شاعر تا جایی پیش می‌رود که او را خدای زمین می‌داند. به خود گفتم: خدا در آسمان‌هاست/پدر، دیگر خدایی در زمین است (همان: ۱۰۲).  
یک تصویر دیگر از پدر، تصویری سنتی است که پدر را نان‌آور خانه معرفی می‌کند. او گرچه خسته است روح مهربانش کودک را متأثر کرده و او را به شوق آورده است تا آن‌جا که زندگی را دستان پینه بسته او می‌داند:  
زندگی دست پینه بسته اوست/ حاصلش کشت پنبه زاران است/ درس بابا سرود زندگی است/ حرف سرسبزی بهاران است (همان: ۵).

و یا در جای دیگر می‌گوید:

دوستت دارم پدر/ سایه‌ات ما را به سر/ صبح برخیزی ز خواب/ زودتر از آفتاب/ همت مردانه‌ات/ کرده روشن خانه‌ات... (همان: ۱۰۱).

و البته مسئولیت‌پذیری، کار و کوشش را وظیفه‌ی پدری می‌داند:

تویی نان‌آور این خانه بابا/ نگاه مهربانش گفت با من:/ عزیز من، پدر بودن همین است... (همان: ۱۰۲).

و پدر را مایه‌ی آسایش و آرامش می‌داند:

با نام تو می‌خوانند/ هر جا که مرا نام است/ درامن وجود تو/ آسایش و آرام است... (همان: ۱۰۳).

اما در اکثر اشعاری که به مادر می‌پردازند، تصویر انسانی را دیده می‌شود که یک ویژگی شاخص دارد: مهربانی و از خودگذشتگی:

مادر! سرود زندگی از تو/ شعر خوش پایدگی از تو... (همان: ۳۲۰).

ز خون پاک خود شیرم تو دادی/ به روی دامن خویشم نشاندی/ تنم را دست مهرت شستشو کرد/ دو دستت شانه زلفم مو به مو کرد... (همان: ۳۱۸).

کیفیت پرداختن به نقش پدر و مادر در اشعار دولت‌آبادی با دیگر شاعران کودک، متفاوت است. او نقش یکسانی برای پدر و مادر قائل است:

خانه‌ی کوچک ما / خانه‌ی شادی‌ها / خانه‌ی روشن و پاک / جای آزادی‌ها / خانه‌ی کوچک ما / پر ز مهر پدر است / مادر آن‌جا گویی / آفتابی دگر است... (همان: ۱۴۱).

مادر من، مادر من! ای پدر، ای سرور من... (همان: ۱۰۶).

روابط خواهر و برادر در کودکی و البته در دنیای خارج از شعر، متفاوت است. زیرا آن‌ها سالیانی دراز را با یکدیگر می‌گذرانند. این رابطه هم شامل رفتارهای منفی مثل خشونت و چشم‌وهم‌چشمی و حسادت است و هم «شامل اعمال متقابل مشارکت جویانه و معین اجتماعی» (آیزنبرگ،<sup>۱</sup> ۱۳۸۴: ۱۳۲). در شعر دولت‌آبادی به این روابط پرداخته شده است؛ برای نمونه:

در شعر «برای خواهرم»:

سلام به روی ماه تو / به چشمون سیاه تو... به پاکی و صفایت / به مهر و به وفایت... تو خوبی خواهر من / مرا جانی تو در تن (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷: ۷۰).

مدرسه، معلم و هم‌کلاسی‌ها نیز از موضوعاتی است که مورد توجه شاعران کودک قرار گرفته است. آن‌ها اصرار دارند که از طریق شعرهایشان، اشتیاق به یادگیری و حضور در فضای فرهنگی مدرسه را به خوانندگان القا کنند:

در کلاس درس روزها / همنشین من تویی کنار من / با نگاه‌آشنای آشنا / گفته‌ای که هم‌رهی و یار من... (همان: ۳۶۵).

تصویر معلم در این اشعار غالباً مهربان و دوست‌داشتنی است و او هدفی جز تربیت صحیح شاگردانش ندارد:

آموزگار من توای / ای مهربان مهربان... در راه عمر ای مهربان / هر جا که باشم، با منی / یادت چراغ راه من / چون جان شیرین در تنی... (همان: ۴۶۹)

شاعر گاه محبت و مهر آموزگار را با مهر پدر و مادر مقایسه می‌کند:

آموزگار مهربان / از مادرم داری نشان... (همان: ۳۹)

همچو مادر، همه نوازش و مهر / چون پدر گرم و مهربان با ما (همان: ۳۸)

<sup>1</sup> Eisenberg



اما در این جا پرسشی مطرح می‌شود: آیا ارائه‌ی تصویری یکسره روشن از معلم، در ذهن کودکان، تصویری فوق انسانی و فرشته گونه از معلم ترسیم نمی‌کند؟ و آیا این تصویر با معلمی که در کلاس می‌بینند آن قدر تفاوت ندارد که کودک نتواند شکاف میان آرمان تا واقعیت را پر کند؟

همسالان کودک در شکل‌گیری شخصیت او تأثیر بسزایی دارند؛ تا آن جا که برخی محققان برآنند که «گروه همسالان به کودکان مهارت‌های اجتماعی مهم را به طریقی می‌آموزند که آموختن آن از طریق بزرگسالان ممکن نیست» (ماسن و دیگران،<sup>۱</sup> ۱۳۸۰: ۵۹۸). دولت‌آبادی به این مفهوم نیز توجه کرده است:

بده دستت به دستم / که یار مهربانیم... (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷: ۱۳۲).

دنده، دنده چرخ‌ها / می‌روند پا به پای هم / طی کنند راه را / با هم و برای هم... می‌توان به کام و نام راه جست این زمان / به همدلی و هم‌رهی و همدمی... (همان: ۱۳۳).

در شعری تحت عنوان «دست دوستی» می‌گوید:

تا بهار باز آید / مهر و مردمی باید / دوستی ز در آید / ره به خانه بگشاید / با خود آورد شادی / یار مهربان، شاید... (همان: ۱۷۱).

مشکلات اجتماعی از دیگر مفاهیم این گروه هستند، دولت‌آبادی «آگاهی» و «دانش» را کلید حل مشکلات نوجوانان می‌داند:

من خانه‌ایی را می‌شناسم، می‌شناسم / بسته در، اما قفل آن، قفل طلایی / هر روز می‌پرسم ز خود، می‌پرسم از خود / آیا کلیدی هست تا این درگشایی؟ / ... آگاهی و دانش کلید بسته درها / کار تو، با این هر دو هر دم آشنایی... (همان: ۲۶۲)

در شعری دیگر به تفاوت‌های اجتماعی اشاره کرده و به گونه‌ای غیرمستقیم از کودکان خواسته به این تفاوت‌ها آگاه باشند و آن را مهم ندانند:

کودکان گونه‌گونه‌اند همه... که فقیرند و گاه داریند، گاه زشتند و گاه زیبارو... جملگی کودکان دل‌بندند، که به رخسار عمر لب‌خندند / کودکان نور دیده مایند / همه چشم امید فرادیند / شادمانیم زان که این همه را / می‌دهد دست روزگار به ما / تا بسازیم راه فردا را / این فروزندگان دنیا را... (همان: ۲۶۳ و ۲۶۴).

وی هم‌چنین کار را عامل مهم حل مشکلات زندگی می‌داد:

<sup>۱</sup> P.H.Masen et al

دشت خشک را بهار کن/کار کن همیشه کار کن/ زندگی به کار بسته است/ زنده نیست آن‌که خسته است/راز زندگی به غیر کار نیست/ کارکن، که کار عار نیست (همان: ۲۴۳).

### ۷. مضامین سرگرم‌کننده و لذت‌بخش

مضامین سرگرم‌کننده و لذت‌بخش در فرهنگ ما دو عنصر سرگرمی و لذت کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. حتی ذهنیت ارزشی قوم به این سو گرایش دارد که شعر حتماً باید پیامی اخلاقی داشته باشد و صرفاً به اعتبار لذت بخشی یا سرگرم‌کننده‌ای ارزشی ندارد. در حالی که عقیده‌ی برخی از محققان بر این است که «بهترین کیفیت در کتاب کودکان، لذت‌بخش بودن آن است و به همین دلیل تمام کسانی که به نحوی با کتاب‌های کودکان سروکار دارند باید متوجه باشند که کتاب باید قبل از آموزنده بودن یا در صورت آموزنده بودن، سرگرم‌کننده باشد» (ماتسوی، ۱۳۶۳: ۱۸۶).

از جمله مضامینی که در زیر مجموعه‌ی این نوع شعر قرار می‌گیرند عبارتند از: اشعار چیستان‌گونه و نقاشی، اشعار بازی‌های کودکانه، اشعار در برگیرنده آرزوهای کودکانه و اشعار با مفاهیم تخیل کودکانه. اشعار با مفهوم تخیل کودکانه بیش‌ترین بسامد را در اشعار دولت‌آبادی شامل می‌شود و پس از آن اشعار با ریتم بازی. مطرح کردن چیستان‌ها در شعر نوعی دیگر از مضامین سرگرم‌کننده است که پیچیدگی این نوع شعر و تلاش ذهنی کودک برای یافتن پاسخ، برایش نوعی لذت به ارمغان خواهد آورد.

در برخی دیگر از اشعار این گروه، بازی‌های کودکان به شعر در آمده است. بازی‌ها اهمیت حیاتی برای کودکان دارند تا آن‌جا که اصلاً ماهیت کودکی با بازی عجین شده است.

بادبادکم بادبادکم/ من سبکم تکم تکم/ بال ندارم پر می‌کشم/ در آسمان سر می‌کشم (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷: ۶۱).

کودکان تخیلات خود را در ضمن بازی‌ها به زبان می‌آورند. می‌توان گفت آن‌ها بلند بلند فکر می‌کنند:

<sup>1</sup> Matsui Tadashi

قایقی است ابر/ روی آسمان/ می رود چه نرم/ تا به بیکران/ بازی خیال / می برد مرا/ می رساندم تا به ابرها... (همان: ۸۵).

از مضامین دیگر بیان آرزوهای کودکان است می توان گفت آرزوهای کودکانه دنباله‌ی همان تخیلات کودکانه است که شکل آرمانی به خود گرفته است.

دلم می خواست یک پروانه باشم/ کنم پرواز با آن بال آزاد/ بیویم عطر یاس و یاسمن‌ها/ برقصم گرد آن‌ها با دل شاد... دلم می خواست بال و پر گشایم/ نشینم روی آن تکبوته ناز/ بتابد آفتاب گرم براو/ کند گلبرگ‌های شاد خود باز(همان: ۱۱۱).

در شعر رنگین کمان می گوید:

اگر می شد با دستم/ جفت چشم‌ها را می بستم/ با این دامن چین‌چین/ رو آن طناب زرین/ نشسته تاب می خوردم/ تا آن دورها می بردم... (همان: ۱۷۹)

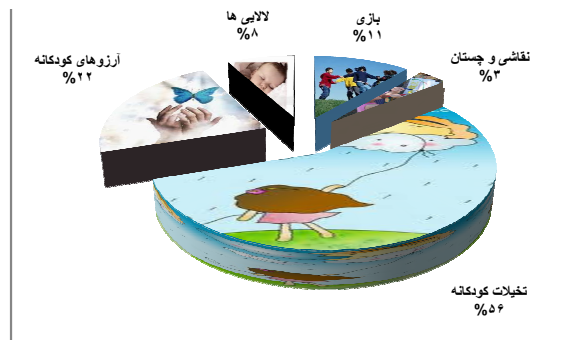
در جدول زیر نسبت اشعار سرگرم‌کننده و لذت‌بخش را در اشعار دولت‌آبادی نشان

داده شده است:

جدول شماره ۸: تنوع موضوعی اشعار سرگرم‌کننده و لذت‌بخش در شعر کودک

درصد	تنوع موضوعی اشعار سرگرم‌کننده
۵۶٪	تخیلات کودکانه
۲۲٪	آرزوهای کودکانه
۱۱٪	بازی
۸٪	لالایی‌ها
۳٪	نقاشی و چستان

نمودار شماره ۶: فراوانی مفاهیم گوناگون سرگرم‌کننده و لذت‌بخش در اشعار کودکانه‌ی دولت‌آبادی



لالایی‌ها نیز در میان اشعاری با درون‌مایه لذت‌بخش و سرگرم‌کننده قرار می‌گیرند. این‌گونه اشعار که در عمق فرهنگ ما جای دارند، هم سرشار از صورت‌های خیالی زیبا و ساده هستند و هم از نظر محتوایی تنوع و غنای فوق‌العاده‌ای دارند (موسویان، ۱۳۸۴: ۵۳). دولت‌آبادی ۷ شعر با عنوان «لالایی» برای کودکان سروده است:

لالالالا / گل مریم / لب‌ت خندان / دلت بی‌غم / لالالالا / گلم باشی / تو عطر سنبلم باشی / لالالالا / بخواب آرام / بخواب آرام (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷: ۲۹۷)

### ۸. مضامین دینی

در مورد تعریف ادبیات دینی و انواع آن نظرات متفاوت وجود دارد (از جمله بنگرید به سادات اخوی، ۱۳۷۸: ۶؛ محمدی، ۱۳۷۸: ۲۲۴-۲۳۳؛ سیدآبادی، ۱۳۷۸: ۵-۱۳؛ حکیمی، ۱۳۸۴: ۹۴ و سهرابی، ۱۳۷۲: ۵۷-۵۸). منظور ما از شعر دینی آن بخش از سروده‌هاست که به طور مستقیم به یکی از موضوعات یا پدیده‌ها یا شخصیت‌های دینی مربوط می‌شود. چنان‌که در نمودار شماره‌ی ۱ دیدیم نسبت این موضوع در مقایسه با موضوعات دیگر بسیار کم است؛ یعنی از کل اشعار دولت‌آبادی ۵٪ به این موضوع اختصاص دارد. چرا چنین است؟ محققان تعلیم و تربیت رشد تفکر مذهبی کودک را به سه دوره تقسیم کرده‌اند که عبارت‌اند از: دوره‌ی تفکر شهودی (۷ تا ۸ سالگی)؛ دوره‌ی تفکر عینی (از حدود ۸ تا حدود ۱۴ سالگی)؛ دوره‌ی تفکر انتزاعی (از حدود ۱۴ سالگی به بعد)، (حکیمی، ۱۳۸۴: ۱۸۳-۱۸۷). بخشی از معارف دینی کیفیت انتزاعی دارند و از طرف دیگر، دوره‌ی تفکر انتزاعی کودک از حدود ۱۴ سالگی آغاز می‌شود. در چنین شرایطی کم بودن تعداد اشعار دینی - انتزاعی برای گروه‌های سنی زیر چهارده سال منطقی به نظر می‌رسد. اما این فقط مربوط به آن بخش از آموزه‌های دینی است که جنبه‌ی انتزاعی دارند و ما نتوانستیم برای کم بودن بقیه گزاره‌های دینی در شعر او دلیل قانع‌کننده‌ای پیدا کنیم. برخی محققان ادبیات کودک به این موضوع اشاره کرده‌اند: «در زمینه‌ی ادبیات کودک و نوجوان و در حوزه‌ی پرداختن به پرسش‌های بنیادین مثل خدا، معاد و مرگ نه آثار برجسته‌ای داریم و نه پژوهش‌های خیلی برجسته‌ای که بخواهد به نویسندگان راه و چاه نشان دهد» (کاموسی، ۱۳۸۴: ۱۲۹).

خدا از دیگر موضوعاتی است که تا حدی توجه شاعر را جلب کرده است. انتزاعی بودن این مفهوم از یک‌سو و درک غیرانتزاعی کودک از سوی دیگر شاعر را بر آن داشته

تا این مفهوم را در ارتباط با پدیده‌های ملموس و عینی مثل طبیعت و آن هم به صورت خیلی کلی مطرح کند:

به مادر گفتم آخر این خدا کیست؟/ که هم در خانه ما هست و هم نیست؟/ تو گفتی  
مهربان‌تر از خدا نیست/ دمی از بندگان خود جدا نیست/ چرا هرگز نمی‌آید به خوابم/  
چرا هرگز نمی‌گوید جوابم/... به من آهسته مادر گفت: فرزند!/ خدا را در دل خود  
جوی یک چند/... خدا در پاکی و نیکی است فرزند/ بود در روشنایی‌ها خداوند  
(دولت‌آبادی، ۱۳۷۷: ۱).

در این شعر تصورات مادی‌گونه کودکان از خداوند نشان داده شده است و کنجکاو‌ی‌ها و پرسش‌های کودکان در مورد خدا را می‌بینیم. در این جا، شاعر با تکیه بر توحید نظری به پاسخ دادن می‌پردازد. مفاهیم بکار رفته در پاسخ صفاتی مانند زیبایی، پاکی، نیکی و روشنایی را برای خداوند شامل می‌شود، یعنی هر نیکی و هر جلوه‌ی کمال قابل تصور، بالاترین مرتبه‌اش برای خداست و به این ترتیب شاعر در حیطه‌ی توحید صفاتی وارد می‌شود و علاوه بر آن، با بیت «بهار و باغ و گل از او نشان است» مطرح می‌سازد که خداوند آفریننده‌ی عالم هستی از جمله بهار، باغ، و گل می‌باشد و این پدیده‌ها را به عنوان نشانه‌ای از وجود یگانه‌ی خالق هستی قرار می‌دهد و در حیطه‌ی توحید افعالی کار می‌کند. در مجموع، اشعاری با این مضمون نمی‌توانند نیاز کودک را برآورده سازند؛ بخصوص که فضای عمومی اکثر آن‌ها تکراری و شبیه به هم است و خدا معمولاً به عنوان خالق طبیعت معرفی شده است.

گروه دیگری از اشعار دینی مربوط به احکام و عبادات دینی است. دولت‌آبادی در شعری دعا را این‌گونه وصف کرده است:

با این دو دست کوچکم/ دست می‌برم پیش خدا/ با دل پاک و روشنم/ دعا کنم، دعا،  
دعا/ آهای خدا، خدا، خدا/ بشنو دعا‌های مرا/ دعا برای مادرم/ دعا به شادی بابا/ به  
خانه‌ها صفا بده/ به جان ما وفا بده (همان: ۱۷۰).

در شعر «ایمان»، به صفت عادل بودن خداوند اشاره می‌کند و دل را جای خدا می‌داند:  
جهان‌آفرین زندگانی دهد/ به جان هستی جاودانی دهد/ زمان شادی و غم به یکسان  
دهد/ ره عمر پیوسته هموار نیست/ ترا بخت گه یار و گه یار نیست/ به نور محبت  
جهان روشن است/ دل از دوستی سرخوش و ایمن است/ دل ما اگر جایگاه خداست/

یقین دان که از تیرگی‌ها جداست/خدا در دل و جان پاکان بود/ همان جاست یزدان که ایمان بود (همان: ۵۴).

### ۹. نتیجه‌گیری

اشعار دولت‌آبادی به ترتیب بسامد در شش مضمون کلی «طبیعت‌گرایی، اخلاقی-تربیتی، آموزشی-علمی، سیاسی-اجتماعی، سرگرم‌کننده و لذت‌بخش و در نهایت مضامین دینی» طبقه‌بندی شده است. در یک کلام می‌توان اشعار کودکانه‌ی او را شعر «امید» نامید. مهر و عاطفه عنصر دوم اشعار اوست که این مفاهیم به همراه مفاهیم دیگر با «خیال» که برجسته‌ترین ویژگی شعر کودک به شمار می‌آید ادغام شده‌اند. با مطالعه‌ی اشعار دولت‌آبادی این نکته روشن می‌شود که آن‌چه پروین در شعرش از انسان می‌خواهد و برایش آرزو می‌کند، صمیمیت و یکرنگی، توان دوست داشتن و از خود بخشیدن، ساکن نبودن، اندیشه‌ورزی و خرد، صلح‌اندیشی و ایمان داشتن به سرافرازی نهانی است.

عینیت، امید و نشاط، خلق تصویری از محیط مناسب (بیان مثبت پدیده‌ها، بهره‌گیری از واژگان و عبارت مثبت، برای مثال واژه‌ی راستگو بودن به جای دروغ نگفتن و یا دیدی مثبت به فصل پاییز و زمستان در جایگاه زمینه‌ای لازم برای فصل بهار و...) از ویژگی‌های دیگر شعر کودکانه‌ی دولت‌آبادی است. اشعار دیگر دولت‌آبادی نیز اشعاری پخته و درخور هستند<sup>۱</sup> اما از آن‌جا که تعداد شاعرانی که بتوانند بر شعر کودک با همه‌ی ویژگی‌های جامع آن تسلط داشته باشند اندک است، بی‌تردید «پروین دولت‌آبادی» به عنوان پیشکسوت این فن شناخته می‌شود.

### یادداشت‌ها

۱. ما در بررسی خود به این نتیجه رسیدیم که پس از مطالعه کامل شعرهای چاپ شده در مجموعه فوق، انواع مضامین را بدون پیش‌فرض قبلی مشخص کنیم. بدین ترتیب نتیجه کار متفاوت با آن چیزی بود که تاکنون انجام شده است.
۲. برای اطلاع از محتوای اشعار کودکان در دهه‌ی اخیر رجوع شود به مقاله «بررسی محتوایی شعر کودک در دهه هفتاد (گروه‌های سنی الف، ب و ج»، سیدمهدی زرقانی و محبوبه عباسپور نوغانی، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد (علمی- پژوهشی)، شماره‌ی ۱۵۹- زمستان ۱۳۸۶.

۳. برای اولین بار آقای دکتر غلامعلی ناصح، به نکته‌ی مهمی اشاره کردند و آن هم تسلط دولت‌آبادی به موسیقی سنتی ایرانی بود که بعضاً در برخی اشعار ایشان بخصوص قالب غزل ریشه‌ها و تاثیر این موضوع را می‌بینیم.
۴. برخورد لازم می‌دانم از همکاری صمیمانه خانم شیوا دولت‌آبادی خواهر گرامی خانم پروین دولت‌آبادی استاد و محقق دانشگاه که صمیمانه اطلاعات لازم را طی یک مصاحبه حضوری در اختیار اینجانب قرار دادند قدردانی کنم - ممکن است تعدادی از اشعار ایشان از چشم ما دور مانده باشد اما تعداد اشعار مورد مطالعه چندان هست که بتوان بر اساس آن‌ها در مورد شعر کودکان دولت‌آبادی اظهار نظر علمی کرد.
۵. از سخنان احمد محیط در مراسم بزرگداشت دولت‌آبادی: «پروین دولت‌آبادی شاعری نوسراست که با شعر کلاسیک هم پیوندی بی‌تردید دارد. پروین با فرهنگ این سرزمین آشناست و از طریق پیوندهای خانوادگی با بزرگانی چون ملک‌الشعراى بهار و جلال‌همایى آشناست. این به شعر او، حتی اگر قالب را شکسته باشد، آهنگی کلاسیک می‌دهد. ریشه‌ی شعر پروین در شعر عرفانی و زندانه‌ی شاعران بزرگی چون مولوی و حافظ است».

### فهرست منابع

- آقایاری، خسرو. (۱۳۷۵). *آشنایی با ادبیات کودکان و معیارهای نقد و بررسی کتاب*. تهران: سرآمد کاوش.
- آیزنبرگ، نانسی. (۱۳۸۴). *رفتارهای اجتماعی کودکان*. ترجمه‌ی بهار ملکى، تهران: ققنوس.
- احمدی، حسن و بنی‌جمالی شکوه‌السادات. (۱۳۸۴). *روانشناسی رشد*. تهران: پردیس. ۵۷.
- بلالی، رقیه. (۱۳۷۹). «گفت‌وگو از جعفر قربانی». بخش گفت‌وگو، کتاب ماه کودک و نوجوان، سال ۳، شماره‌ی ۱۱، ص ۱۲-۱۵.
- حکیمی، محمود. (۱۳۸۴). *سخنی درباره ادبیات کودکان و نوجوانان*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- حکیمی، محمود و کاموسی، مهدی. (۱۳۸۴). *مبانی ادبیات کودک و نوجوان*. تهران: آرون.
- خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۸۲). *معصومیت و تجربه*. تهران: مرکز.

- دولت‌آبادی، پروین. (۱۳۷۷). *بر قایتق ابرها*. تهران: رهگشا.
- دولت‌آبادی، پروین. (۱۳۷۸). *گل بادام*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- زرقانی، سیدمهدی و عباسپور نوقانی، محبوبه. (۱۳۸۶). «بررسی محتوایی شعر کودک در دهه هفتاد (گروه‌های سنی الف، ب و ج)». *مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد*، شماره‌ی ۱۵۹، صص ۱۶۹-۱۹۴.
- سادات اخوی، سیدمحمد. (۱۳۷۸). «مرزشناسی ادبیات دینی». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، سال ۲، شماره‌ی ۲۱، صص ۶-۹.
- سیدآبادی، علی اصغر. (۱۳۷۸). «ادبیات کودک و رویکردهای جدید به دین». *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، سال ۵، شماره‌ی ۱۷، صص ۱۰-۱۹.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). *در حاشیه شعر*. تهران: ویژه نشر.
- سهرابی، معصومه. (۱۳۷۲). *ملاک‌های ارزشیابی کتاب‌های کودکان و نوجوانان*. تهران: شورای کتاب کودک.
- قزل‌ایاغ، ثریا. (۱۳۸۱). «اما و اگرهای ورود ادبیات کودک به دنیای سیاست». *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، سال ۸، شماره‌ی ۳۱، صص ۸۱-۹۹.
- کاموسی، مهدی. (۱۳۸۴). «پرسش‌های بنیادین در ادبیات کودک». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، سال ۸، شماره‌ی ۱۱، صص ۱۲۳-۱۲۹.
- کیانوش، محمود. (۱۳۵۲). *شعر کودک در ایران*. تهران: آگاه.
- ماتسویی، تاداشی. (۱۳۶۳). *ویرایش کتاب‌های کودکان*. امامی، گلی، تنظیم از آتش جعفرنژاد، تهران: شورای کتاب کودک، چاپ آتلیه.
- ماسن، پاول هنری و دیگران. (۱۳۸۰). *رشد و شخصیت کودک*. مهشید یاسایی، تهران: مرکز.
- محمدی، محمد. (۱۳۷۶). «تطبیق کیفیت تخیل در افسانه‌های کهن و نو». *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، سال ۳، شماره‌ی ۱۰، صص ۴۰-۵۷.
- محمدی، محمدهادی. (۱۳۷۸). *روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان*. تهران: سروش.
- مرتضوی کرمانی، علیرضا. (۱۳۶۴). *ضوابط و اصول نقد کتاب‌های کودکان و نوجوانان*. تهران: کانون فرهنگ و هنر اسلامی.
- نجاتی، حسین. (۱۳۷۴). *نقش تربیتی پدر در خانواده*. تهران: ژرف.